

# وضعیت اقتصادی نشر در ایران

■ علی رضایی



از مطبوعات دیگر...



■ ۱/۵۳ درصد از کل هزینه خانوارهای شهری به تفریحات و سرگرمی‌ها و آموزش و تحصیل اختصاص می‌یابد.

و سهم کتاب از کل این هزینه‌ها حداکثر ۱۵ درصد است

■ هزینه‌ای که هر ایرانی در سال ۶۷ بطور متوسط صرف خرید سیگار کرده،

چهار برابر هزینه‌ای است که در سال ۶۸ (با فرض فروش رفتن تمام کتابهای منتشر شده

ناشران) صرف خرید کتاب شده است!

■ سیاست مالیاتی کشور مشوق سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی و کارنشر نیست

منتشره آن در دست است، سال ۱۳۶۹ است. در این سال ۴۴۰۰ عنوان کتاب چاپ اول منتشر شده و کل تیراژ کتب منتشره (اعم از چاپ اول و تجدید چاپ) ۵۶/۰۹۲/۴۷۴ جلد بوده است. برای به دست آوردن ارزش ریالی تیراژ ناشران کشور، باید با استفاده از کتابنامه‌ها، مورد به مورد قیمت کتاب را در تیراژ آن ضرب و جمع نهایی ارقام به دست آمده را محاسبه کرد. این کار برای کتب منتشر شده در سال ۱۳۶۸ انجام شد (جدول ۲).

به عبارت دیگر ارزش محصول نهایی ناشران کشور در سال ۱۳۶۸، اندکی بیشتر از ۲۸ میلیارد ریال بوده است. این رقم نشان‌دهنده اندازه بالفعل بازار کتاب ایران نیز هست. البته شاید در شرایط مساعدتر بازار کتاب ایران ظرفیت گسترش بیشتری داشته باشد، یا این که تصور کنیم با حذف سوپسید مواد اولیه کتاب، ارزش ریالی تیراژ ناشران افزایش می‌یابد. (ارقام مربوط به سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ چنین گرایشی را نشان خواهد داد) اما نکته قابل تأمل آن است که متناسب با افزایش قیمت مواد اولیه و خدمات چاپ، صحافی، حمل و نقل افزایش دستمزدها، و نیز اختصاص بخش بزرگتری از قدرت خرید خانواده‌ها به هزینه‌های روبه افزایش سایر ملزومات زندگی، آنچه در صنعت نشر، به شکل سود و سرمایه‌گذاری جدید، ته‌نشین می‌شود، افزایش واقعی نشان نخواهد داد. متأسفانه کتاب در کشور ما، کالایی «غیرضروری» است.

بر طبق ارقام فوق، اگر تمامی کتب منتشره در سال ۶۸ به فروش رفته باشد، هر ایرانی سالانه ۷۰۵ ریال

نشر کشور ارائه نمی‌دهد، چون حتی اگر «صنعت نشر» را به تولید و توزیع کتاب و نشریه محدود کنیم، تعداد، میزان تولیدات، درآمد و اشتغال در واحدهای کوچک حروفچینی، چاپ، صحافی و ناشران کتاب در آن منظور نشده است. موضوع اصلی این مقاله بررسی وضعیت و مشکلات بخش کوچکی از این مجموعه، یعنی نشر کتاب است.

نشر کتاب در سالهای پس از پیروزی انقلاب، گسترش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و تعداد ناشران کشور به نحو چشمگیری افزایش یافت. بر طبق آمار ارائه شده توسط مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در سال ۱۳۷۰، بیش از ۸۰۰ مؤسسه انتشاراتی خصوصی در سراسر کشور به ثبت رسیده و مشغول فعالیت بوده‌اند. از این تعداد، ۵۸۰ مؤسسه در تهران و بقیه در شهرستانها مستقر بوده‌اند. علاوه بر این، در حدود ۲۰ مؤسسه انتشاراتی دولتی و وابسته به نهادهای دولتی به طور مستمر مشغول کار نشر بوده و در حدود ۵۰ مؤسسه و نهاد دولتی نیز در کنار فعالیت‌های اصلی خود، به کار نشر کتاب پرداخته‌اند. اگر ارقام تولیدات، درآمد و اشتغال در این واحدها را به ارقام جدول ۱ اضافه کنیم، ارقام واقعی (بخصوص در زمینه اشتغال) احتمالاً تا ۴ برابر افزایش خواهد یافت.

اما لااقل در مواردی می‌توان ارقام دقیق‌تری از وضعیت نشر کتاب و موقعیت اقتصادی ناشران به دست آورد. یکی از مآخذ مفید در این زمینه کتابنامه‌های وزارت ارشاد اسلامی است. آخرین سالی که اطلاعات مربوط به تعداد عناوین و تیراژ کتب

صنعت نشر کشور در بحران، روزگار می‌گذراند. روند نزولی گرایش به کتاب و کتاب‌خوانی که در ارقام خرید کتاب و مشکلات اقتصادی ناشران و سایر بخشهای صنعت نشر بازتاب می‌یابد، تبعات خطیری برای صنعت نشر و فرهنگ کشور دارد که شایسته بذل توجه جدی دستگاههای سیاست‌گذار دولتی و نیز دست‌اندرکاران بخش خصوصی فرهنگ کشور است.

این روند نزولی حاصل عملکرد عوامل متعددی است که در ذیل رئوس آنها ذکر شده و علل آن تا حدودی تبیین می‌شود و سرانجام تلاش می‌گردد برخی راه‌حل‌ها و اقدامات تعدیل‌کننده این روند پیشنهاد گردد.

ابتدا می‌کوشیم تصویری از وضعیت صنعت نشر کشور به دست دهیم.

## الف- اقتصاد و نشر بازار کتاب ایران

به دست آوردن تصویری دقیق از وضعیت صنعت نشر و سهم آن در اقتصاد ملی، امری دشوار است. آمار جامع و دقیقی از تعداد واحدهای انتشاراتی، واحدهای کوچک حروفچینی و صحافی و چاپ و نیروی کار شاغل آنها، در دست نیست. آمار موجود در سالنامه‌های آماری کشور و گزارشهای اقتصادی بانک مرکزی، صرفاً برخی جنبه‌های فعالیت کارگاههای بزرگ صنعتی در زیر بخش «صنایع کاغذ و مقوا، چاپ و انتشار» را دربر می‌گیرد. آنچه از این آمارها می‌توان به دست آورد در جدول ۱ خلاصه شده است.

ارقام جدول ۱ به هیچ وجه تصویر کاملی از صنعت

(و روزانه کمتر از ۲ ریال) کتاب خرید است. (جمعیت سال ۱۳۶۸، بر مبنای جمعیت سال ۱۳۶۵ و با نرخ رشد ۳ درصد محاسبه شده است.) برای آن که معنای کوچکی بازار کتاب را در ایران بهتر دریابیم، بهتر است نگاهی به ارقام هزینه خانوارهای شهری - که اکثریت بزرگ جامعه کتابخوان کشور را تشکیل می دهند - بیاندازیم. (جدول ۳).

تنها ۱/۵۳ درصد از کل هزینه خانوارهای شهری به تفریحات و سرگرمی ها و آموزش و تحصیل اختصاص می یابد که سهم کتاب از کل این هزینه ها نیز حداکثر ۱۵ درصد است. پس سهم کتاب از کل هزینه خانوار شهری احتمالاً چیزی در حدود ۰/۲۲ (بیست و دو صدم) درصد است. اگر این رقم را با هزینه ای که خانوارها بابت سیگار می پردازند مقایسه کنیم، با تأسف در می یابیم که صنعت نشر ایران دچار مشکلات اساسی است. در سال ۱۳۶۷، خانوارهای کشور بابت مصرف سیگار ۹۲۸۰۰ میلیون ریال مالیات پرداخته اند (سالنامه آماری کشور ۱۳۶۸، ص ۴۵۶).

اگر قیمت تمام شده سیگار را ۲۰ درصد قیمت نهایی آن فرض کنیم که نصف این مبلغ نیز بابت مصرف سیگار خارجی که دولت بابت آن مالیاتی دریافت نمی کند، پرداخت شده باشد جمعاً ۱۶۲۴۰۰ میلیون ریال بابت سیگار هزینه شده است. به این ترتیب هر ایرانی در سال ۱۳۶۷ به طور متوسط، تقریباً ۳۰۹۶ ریال بابت مصرف سیگار هزینه کرده است. این رقم بیش از چهار برابر هزینه ای است که در سال ۱۳۶۸، با فرض به فروش رفتن کلیه کتب منتشره توسط ناشران در آن سال، سرانه صرف خرید کتاب شده است!

با این مقدمه در باره وضعیت تولید و بازار کتاب، به برخی جنبه های خرد اقتصاد نشر می پردازیم.

ب - ابعاد خرد

کار نشر کتاب، کاری تولیدی است که از مرحله آماده سازی نسخه دست نویس (ویرایش و تعیین حروف) تا مرحله صحافی و تحویل کتاب به مراکز فروش، مستلزم صرف هزینه و سرمایه گذاری است. دوره زمانی تولید با توجه به کتب گوناگون و بادر نظر گرفتن امکانات فنی و تجهیزات فنی و تجهیزات ناشر، متفاوت است اما برای اکثریت ناشران بخش خصوصی که برای کلیه مراحل فنی (حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی) و توزیع (فروش مدت دار به مراکز بخش) مجبور به عقد قرارداد با موسسات دیگرند این دوره زمانی به طور متوسط و در مجموع کتب ناشر، از ۱۸-۱۵ ماه کمتر نیست. بنابراین صرف نظر از موارد استثنایی دوره بازگشت سرمایه ناشر حداقل و در بهترین وضع ۱۵ ماه است که با توجه به نرخ سود رایج در کار نشر و نرخ تورم سالانه اقتصاد، عملاً به معنی غیراقتصادی بودن سرمایه گذاری در

### جدول ۱ - تصویری از وضعیت تولید، سرمایه گذاری و اشتغال در کارگاه های بزرگ صنایع کاغذ و مقوا، چاپ و انتشار

سال ۱۳۶۶	
ارزش تولیدات (میلیون ریال)	۱۰۱۴۰
تعداد کارکنان (نفر)	۲۶۲۲۲
سرمایه گذاری جدید (میلیون ریال) (متوسط سالانه در دوره ۶۵-۱۳۶۱)	۲۵۵۱/۲
مزد و حقوق و پرداخت های تقدی و غیرتقدی (میلیون ریال)	۲۰۸۷۱
نسبت کارکنان به جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بالاتر کشور (۱۳۶۵)	۰/۲۴ درصد
نسبت کارکنان به جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بالاتر در بخش صنعت	۱/۸ درصد
سرمایه گذاری جدید سرانه (ریال)	۹۷۲۵۵/۳
سهم ارزش تولیدات به تولید ناخالص ملی	۰/۴۸ درصد

مأخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۶۸  
ص ۲۵۸-۲۶۲

این حوزه تولیدی است.

تا چندی پیش که وزارت ارشاد اسلامی بر قیمت گذاری کتاب نظارت داشت، بر طبق ضوابط قیمت گذاری، حداکثر سود ناخالص ناشر، ۱۵ درصد از مجموعه بهای پشت جلد کتاب در نظر گرفته می شد. به عبارت دیگر براساس این ضابطه، به فرض فروش کل محصول در یک دوره ۱۵ ماهه و به فرض دریافت کلیه تعهدات مشتریان، در دوره زمانی یک سال در حدود ۲۶ درصد بر سرمایه ناشر افزوده می شد. اگر نرخ متوسط تورم سالیانه، ظرف دوره زمانی ۶۹-۱۳۶۵ را ۲۰ درصد فرض کنیم نتیجه معادله فوق این است که ناشر در دوره زمانی فوق سالانه حداکثر ۶ درصد بر سرمایه خود می افزاید. اما این تمام مسئله نیست. برطبق این ضوابط، سود ناشر فقط با توجه به هزینه های مستقیم تولید کتاب تعیین می شد، به عبارت دیگر هزینه هایی مانند حمل و نقل کتاب (حمل مواد اولیه مانند کاغذ به چاپخانه حمل فرم های چاپ شده از چاپخانه به صحافی و از صحافی به مراکز فروش)، هزینه های پرسنلی و اجاره محل کار، ویرایش متن و... در تعیین قیمت کتاب در نظر گرفته نمی شد. به فرض آنکه این هزینه ها ۵ درصد از سود تعیین شده ناشر را ببلعد، ناشر در دوره فوق سالانه ۱ درصد بر قدرت خرید سرمایه خود افزوده است.

علاوه بر موارد فوق، اخذ مالیات از ناشر نیز مبلغی در حدود یک سوم از سود خالص ناشر را به خود

### جدول ۲ - ارزش تیراژ ناشران بخش خصوصی، دولتی و بنیادهای غیرانتفاعی (ریال)

ارزش تیراژ	ناشران خصوصی		ناشران دولتی و .....		جمع	
	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد
۱۳۶۸	۲۹/۷۷۴/۷۵۱/۰۰۰	۷۷/۹	۸/۴۴۰/۷۷۴/۸۰۰	۲۲/۱	۳۸/۱۱۵/۴۲۶/۰۰۰	۱۰۰

اختصاص می دهد. وزارت اقتصاد و دارایی به تجربه و با توجه به اطلاعات خود از وضع فروش ناشران، ضریب علی الراس اخذ مالیات از ناشر را ۶ درصد (در حدود یک سوم سود خالص ویژه) تعیین کرد. این به معنای آن است که این وزارتخانه مطلع است که سود واقعی ناشر حداکثر ۶ درصد از مجموعه بهای پشت جلد کتاب است و با توجه به این واقعیت می توان گفت که ناشر معمولی، در دوره فوق الذکر سالانه لااقل ۳-۵ درصد از قدرت خرید سرمایه خود را از دست داده است. بنابراین اگر میزان سودآوری را ملاکی برای گرایش سرمایه به بخش های اقتصاد بدانیم، کار نشر در ایران در مجموعه و صرفنظر از موارد استثنایی، اقتصادی نیست. به عبارت دیگر ناشر صرفاً به دنبال کسب سود، سرمایه خود را وارد این حوزه نمی کند. چرا که اگر این ملاک در نظر باشد، سرمایه گذاری در خرید و فروش کالا، مستغلات و... بسیار پرسودتر و کم دردسستر است. حتی در داخل همین بخش نیز صرف سرمایه در توزیع کتاب پرسودتر از سرمایه گذاری در تولید کتاب است.

حذف ضوابط قیمت گذاری در حالی انجام گرفته است که با تغییرات اقتصادی اخیر سطح عمومی قیمت ها بالا رفته و از قدرت خرید اقبال متوسط شهری کاسته شده است. اگرچه از شتاب تورم کاسته شده، اما اقبال حقوق بگیر و متوسط، مدهاست درآمد اضافی ندارند که سخاوتمندانه صرف هزینه های «غیر ضروری» مانند خرید کتاب شود.

نکته قابل توجه در اینجا این است که حقوق بگیران و اقبال تحصیل کرده شهری، بخش اعظم مشتریان کتاب را در جامعه ماتشکیل می دهند.

گذشته از این ها، چون کتاب «کالای ضروری» محسوب نمی شود، تقاضا برای آن دقیقاً تابعی از درآمد و قدرت خرید خانوار است و به هیچ وجه یارای رقابت با کالاهایی همچون سیگار یا حتی نوشابه های گازدار را نیز ندارد.

فشار اقتصادی به خودی خود، عامل مهمی است، اما عامل مهمتر در این زمینه درگیری ذهن و فشار روانی ناشی از مشکلات اقتصادی است که میل به کتاب خوانی را کم می کند. متأسفانه اقبال متوسط شهری بیش از سایر اقشار به این مشغله ذهنی دچارند و بدبختانه همین اقشار نیز بدنه اصلی بازار کتاب را تشکیل می دهند.

به این ترتیب فرار سرمایه خصوصی از کار نشر ابعاد گسترده ای می گیرد. تبدیل کتاب فروشی های بزرگ به مراکز فروش لوازم التحریر، کامپیوتر و بازیهای کامپیوتری و... نشانه روشن و چشمگیر این فرار سرمایه است. در دو سال گذشته شماری از کتابفروشی های مقابل دانشگاه تهران به فروشنده

**جدول ۳ - سهم هزینه تفریحات و سرگرمیها و تحصیل و آموزش در کل هزینه‌های خانوار شهری**

ردیف	اقدام هزینه	سال ۱۳۶۸
۱	متوسط هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوار شهری	۲۰۸۱۳۸ (ریال)
۲	متوسط هزینه تفریحات و سرگرمی‌های شهری	۱۲۳۹۹ (ریال)
۳	متوسط هزینه تحصیل و آموزش خانوار شهری	۱۹۹۷۳ (ریال)
۴	سهم هزینه تفریحات و سرگرمی‌ها در کل هزینه خانوار	۰/۵۹ (درصد)
۵	سهم هزینه تحصیل و آموزش در کل هزینه خانوار	۰/۹۴ (درصد)
۶		۱/۵۳ (درصد)

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۶۸، ص ۴۴۲.

**علل این وضع چیست؟**

در جستجوی ریشه‌های مشکلات ناشران، باید به عواملی از قبیل محدودیت تقاضای بازار داخلی، عدم دسترسی به بازارهای خارج، کمبود اعتبارات و نقدینگی، تقلیل انگیزه و تمایل طبقه متوسط به کتاب خوانی، و کاهش قدرت خرید قشر کتاب خوان جامعه اشاره کرد. پیش بینی می‌شود متوسط تیراژ کتب چاپ اول در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ نسبت به سالهای قبل کاهش یابد. این تیراژ در مقایسه با برخی از کشورهای جهان سوم نیز اندک است، چه رسد به کشورهای پیشرفته صنعتی. اگر توجه داشته باشیم که تنها در حدود ۰/۶ درصد (شش دهم درصد) از بودجه خانوارهای شهری صرف هزینه‌های تفریحات و سرگرمی می‌شود و از کل این هزینه‌ها نیز بخش بسیار کوچکی به کتاب اختصاص می‌یابد، علت محدودیت بازار کتاب را درمی‌یابیم. گذشته از این‌ها، در یک یا دو سال اخیر به عللی که بحث آن از موضوع این نوشتار خارج است، تمایل به کتاب خوانی نیز کاهش یافته است. کاهش عناوین کتب سیاسی و اجتماعی و افزایش نسبی عناوین کتب سرگرم کننده، رمان و کتب لوکس و تزئینی دللی بر این مدعا است. بنابراین از یک سو میزان هزینه‌های ضروری خانوارها افزایش یافته و از سهم هزینه‌های «غیرضروری» (از قبیل خرید کتاب) کاسته شده است، و از سوی دیگر تمایل به کتاب و کتاب خوانی نیز کاهش یافته است. حاصل این دو فرآیند رکود تولید و تشدید عقب ماندگی تاریخی صنعت نشر در ایران است، که در حال حاضر در بحران است.

**صادرات**

عدم دسترسی به بازارهای خارج از کشور نیز یکی

ضمن کاهش چشمگیر نسبت به سال‌های اول انقلاب، در همین دوره زمانی (۶۸-۱۳۶۴) نیز بیش از ۵ درصد کاهش یافته است.

با توجه به تیراژ بالای کتبی از قبیل ادعیه مذهبی، قرآن کریم و برخی از دیوان‌های شعرای کلاسیک، این تیراژ متوسط نیز شاخص حقیقی نیست.

به این ترتیب صنعت نشر با کوچک شدن اندازه بازار، افزایش هزینه‌ها و کاهش انگیزه و وقت خریدار محصول نهایی خود (کتاب) روبه رو است.

**د - مشکلات ناشران**

علی رغم مشکلات اقتصادی که ذکر آن رفت، در حال حاضر در حدود ۹۰۰ ناشر خصوصی و دولتی به ثبت رسیده و بیش از نیمی از این تعداد در کار تولید کتاب فعالیت مستمر دارند. مجموع ارزش تیراژ ناشران دولتی و خصوصی ایران در سال ۱۳۶۸ معادل ۳۸/۱۱۵/۴۲۶/۰۰۰ ریال بوده است. به فرض آنکه ارزش افزوده ناشران (پس از کسر مالیات و هزینه‌های محاسبه نشده در قیمت پشت جلد بجز هزینه‌های پرسنلی) ۶ درصد مبلغ فوق باشد، ارزش افزوده سرانه متوسط ناشر معادل ۲۶۶۸۰۷۰ ریال خواهد بود. اگر فرض کنیم پرسنل مشغول به کار هر ناشر (اعم از کارفرما و پرسنل تحت استخدام) ۳ نفر باشد در آن صورت ارزش افزوده سرانه متوسط در این حرفه سالانه معادل ۸۸۹۳۵۷ ریال خواهد بود (ماهانه ۷۴۱۱۳ ریال و روزانه ۲۴۷۰ ریال). این به شرطی است که ناشر بتواند کلیه کتب خود را در کوتاه‌ترین مدت (حداکثر ۶ ماه پس از خروج از صفای) به فروش برساند، که در بازار کتاب ایران امری غیرمعمول است. این ارقام نشان می‌دهد که بازده اقتصادی چندانی عاید ناشر نمی‌شود.

لوازم تحریر، کامپیوتر و ماشین حساب، نوارهای آموزشی و... تبدیل شده‌اند.

بدیهی است این وضع تا زمانی قابل تحمل است که ناشر (تولیدکننده) در پایان هر دوره تولید، قادر به تأمین ضروریات بازتولید سرمایه خود به میزان لازم برای تولید لااقل همان میزان محصول دوره قبل باشد. متأسفانه این امکان در صنعت نشر خصوصی در حال از میان رفتن است. به عبارت دیگر مشکل اینک دیگر «کم سود» بودن کار نشر نیست، مشکل در واقع «زیان‌ده» بودن تولید کتاب است. به این ترتیب فرار سرمایه از نشر، همانند سایر بخش‌های تولیدی فقط متأثر از نرخ بالاتر سود در سایر حوزه‌های اقتصاد نیست، بلکه نتیجه گریز ناپذیر غیراقتصادی بودن این بخش در مقایسه با عملکرد خود این بخش در گذشته است.

گذشته از مسائلی فوق نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد ارزش اقتصادی محصول نهایی صنعت نشر (کتاب) است. برخلاف بسیاری از کالاها، کتاب پس از تولید و تعیین قیمت آن، هر چه بیشتر در انبار ناشر بماند، ارزش خود را به میزان بیشتری ازدست می‌دهد. به عبارت دیگر چون تقاضای بازار برای کتاب صرف نظر از استثناها محدود است، قیمت آن تا پایان دوره فروش ثابت می‌ماند و فقط درصد تخفیف فروش (سهم کتاب فروش و توزیع کننده) با طولانی شدن دوره فروش، افزایش می‌یابد. کتاب و نشریه کهنه مانند نان بیات است و مشتریان خاص خود را دارد.

**ج - موقعیت فعلی نشر کتاب در ایران و مقایسه با برخی کشورهای جهان سوم**

در این دوره پنج ساله (۶۸-۶۴) از سهم کتب چاپ اول در مجموع کتب منتشره قریب ۹ درصد کاسته شده است، اما تعداد عناوین کتب چاپ اول (بظور مطلق)، در حدود ۲۲ درصد افزایش یافته است. تعداد عناوین چاپ اول در سال ۱۳۶۹ باز هم افزایش یافته و به ۴۴۰۰ رسیده است. تعداد عنوان کتاب چاپ اول در مقابل هر یک میلیون نفر از جمعیت کشور نیز ضمن افت شدید در سالهای ۶۷-۱۳۶۵، در سال ۱۳۶۸، در حدود ۸ درصد نسبت به سال ۱۳۶۴ رشد داشته و به ۶۹ عنوان در مقابل هر یک میلیون نفر از جمعیت رسیده است. این شاخص نیز در سال ۱۳۶۹ به ۷۸ عنوان افزایش یافته است.

مقایسه این ارقام با ارقام مشابه برخی از کشورهای جهان سوم، قابل توجه است. طبق ارقام جدول ۲، کشورهایی مانند ترکیه با ۴۹۰۱ عنوان کتاب چاپ اول (سال ۱۹۸۵)، تایلند با ۷۰۰۸ عنوان کتاب چاپ اول (۱۹۸۶) و کره جنوبی با ۲۵۴۷۱ عنوان کتاب چاپ اول (۱۹۸۷) علی‌رغم جو نامساعد سیاسی و عدم برخورداری از پیشینه فرهنگی قابل قیاس با ایران، از نظر تولید کتاب در وضع بهتری نسبت به ما قرار داشته‌اند.

تیراژ متوسط، شاخص دیگری است که اندازه محدود بازار کتاب ایران را نشان می‌دهد، تیراژ متوسط کتب منتشره در سال ۱۳۶۴ معادل ۷۵۶۷ جلد و در سال ۱۳۶۸، معادل ۷۱۷۲ جلد بوده است. تیراژ متوسط

**جدول ۴ نشان دهنده تعداد عناوین کتب چاپ اول در ایران در دوره ۶۸ - ۶۴ است**

جدول ۴ - تعداد عناوین کتب چاپ اول				
سال	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷-۱۳۶۸
تعداد عناوین کتب چاپ اول	۳۱۰۱	۲۰۶۲	۲۱۶۵	۳۷۷۷
درصد عناوین چاپ اول نه کل کتب	۵۷	۵۴/۱	۴۵	۴۸/۱۴۸/۳
عنوان کتاب به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت	۶۴	۴۲	۴۲	۶۹۳۸

مأخذ: کتابنامه‌های وزارت ارشاد اسلامی سال‌های ۶۹-۱۳۶۴

از علل وضع کنونی صنعت نشر است، گذشته از آشنایان به زبان فارسی در کشورهای شبه قاره، افغانستان، ترکیه، و... شمار کثیری از ایرانیان به علل مختلف در کشورهای اروپایی، آمریکا و اقیانوسیه زندگی می کنند. ارتباط صنعت نشر ایران با این ایرانیان نه تنها پلی برای راه یابی به بازارهای خارجی و افزایش کارایی و توانمندی اقتصادی نشر ایران است بلکه از نظر فرهنگی و خشتی کردن تبلیغات یک سویه خارجی علیه ایران و فرهنگ آن نیز حائز اهمیت است. متأسفانه موانع صادرات کتاب تا سال گذشته آن قدر بزرگ و عبورناپذیر بودند که به جز چند شرکت توزیع کننده سودجو، هیچ ناشری در فکر صادرات منظم کتاب نبود. وارد شدن در بازار صادرات کتاب نیز مستلزم صرف هزینه و سرمایه گذاری بلند مدت و نیز کسب تجربه در بازارهای بین المللی است که با توجه به وضع اقتصادی کنونی ناشران بخش خصوصی، لاقلاً در کوتاه مدت چشم انداز امیدوارکننده ای ندارد.

راهبایی به این بازارها که از طریق حذف موانع صادرات کتاب و نیز کمک مراکز ذیربط دولتی در امر شناسایی وضعیت بازارهای خارجی امکان پذیر می شود، هم مفری برای حل مشکلات اقتصادی ناشران ایرانی است و هم منافع فرهنگی و سیاسی برای کشور دربر دارد. گذشته از این ها، حضور در بازارهای خارجی و رقابت با محصولات صنعت نشر کشورهای جهان، بر کیفیت محصول نشر ایران نیز خواهد افزود.

#### اعتبارات بانکی

نظام بانکی کشور، هنوز برخوردار یکسانی با صنعت نشر ندارد. بعضی از بانکها کار نشر را در دیرف مشاغل خدماتی محسوب می کنند و به تناسب این رشته از وام های اعطاء شده بهره دریافت می کنند. نرخ بهره وام فروش اقساطی (برای خرید کاغذ و سایر مواد اولیه) عملاً تا ۲۴ درصد است و این با توجه به واقعیات بازار نشر ایران به معنی ناتوانی و عدم تمایل ناشر به استفاده از تسهیلات بانکی است. علاوه بر این، دوره بازپرداخت وام، کوتاه است و نظام بانکی کشور عملاً بخش های خدماتی و تجارت را در مقابل بخش تولید کتاب، تقویت می کند.

مشکل دیگر ناشران خصوصی کشور، مساله مالیات است. براساس ارقام منتشره در کتابنامه ۱۳۶۸ وزارت ارشاد اسلامی، ارزش تیراژ کل ناشران بخش خصوصی در این سال ۲۹/۶۷۴/۷۵۱/۰۰۰ ریال بوده است. حداکثر درآمد مشمول مالیات این بخش ۱/۷۸۰/۴۸۵/۰۶ ریال (ضریب علی الراس ۶٪) و حداکثر مالیات قابل وصول ناشران ۵۹۳/۴۹۵/۰۲۰ ریال است. (ناشران دولتی و بنیادهای غیرانتفاعی عملاً مالیات نمی پردازند). این ارقام با در نظر گرفتن بالاترین ضریب محاسبه درآمد مشمول مالیات و بالاترین ضریب محاسبه مالیات بر درآمد، محاسبه شده است.

با توجه به آنچه در بخش نخست این نوشتار ذکر شد، ناشر سالم عملاً بیش از ۳۰ درصد از سود خالص خود را در پایان سال بابت مالیات می پردازد و این در

### جدول ۵- تعداد عناوین کتب چاپ اول برخی از کشورهای جهان سوم (سال ۱۹۸۷)

نام کشور	عناوین چاپ اول
آرژانتین	۴۸۳۶
برزیل	۷۵۷۴
بنگلادش	۱۷۰۹
تایلند	۷۰۰۸
ترکیه (۱۹۸۵)	۴۹۰۱
تونس	۹۱۷
فیلیپین	۱۶۲۹
کره جنوبی	۲۵۴۷۱
مکزیک	۷۷۲۵
نیجریه	۱۷۶۰
هند	۱۱۶۰۷

مأخذ: Unesco, Statistical Yearbook, 1987.

مقایسه با مالیات اخذ شده از مشاغل آزاد و خدماتی بسیار زیاد است. به این ترتیب سیاست مالیاتی نیز مشوق سرمایه گذاری در امور فرهنگی و کار نشر نیست. اما این درآمد در اقلام درآمدهای مالیاتی دولت نیز بسیار ناچیز است، بعبارت دیگر ارقام درآمد مالیاتی واقعی دولت از بخش نشر کتاب از ارقام فوق عملاً کمتر است.

نتیجه نهائی تداوم این وضع، خروج بسیاری از ناشران بخش خصوصی از حوزه تولید کتاب است. علی الخصوص که در این حوزه نیز افزایش قیمت ها، (در شکل افزایش هزینه چاپ، صحافی، لیتوگرافی و...) هزینه تولید را افزایش داده، و افزایش قیمت تمام شده مواد اولیه کار نشر (کاغذ، فیلم، زینک و غیره) قیمت تمام شده کتاب را باز هم بالاتر خواهد برد. نتیجه این وضع در کوتاه مدت افت شدید تولید کتاب (و بخصوص کتب علمی کم فروش) است.

رکود کار نشر، بر زندگی و کار مولفان، مترجمان و اهل قلم اثر فوری خواهد داشت. خوشبختانه در دوره پس از انقلاب گرایش به کار حرفه ای در زمینه تالیف، ترجمه و تحقیق افزایش چشمگیر داشته است، اما رکود کار نشر شمار زیادی از مولفان و مترجمان و محققان کشور را به حوزه های دیگر اقتصاد (عمدتاً بخش خدمات) سوق خواهد داد و این یک ضایعه فرهنگی برای کشور است.



شاید بتوان گفت که تغییرات اقتصادی پدید آمده در صنعت نشر، تولید در این حوزه را عقلانی تر کرده و موجب اصلاح موارد مختلف اتلاف منابع و کارآتر شدن نشر ایران در آینده خواهد شد. اما خروج صنعت نشر از بحران کنونی مستلزم کمک دولت و یک بسیج فرهنگی هم هست.

#### پیشنهادها

با توجه به مشکلات فوق، خروج صنعت نشر ایران از بحران کنونی، علاوه بر تلاش فوق العاده ناشران، مستلزم اجرای سیاست های تشویقی دولت - و نه کمک

مستقیم به ناشران - است. رونس این سیاست ها به شرح زیر است:

#### ۱- کمک به گسترش بازار کتاب:

این کار از طریق افزایش اعتبارات خرید کتابخانه های عمومی کشور، افزایش اعتبارات کتابخانه های مدارس و دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی برنامه های تبلیغاتی رسانه های جمعی در مورد ضرورت کتاب خوانی برای نيل به توسعه و تعالی فرهنگی، گسترش انجمن های فرهنگی در شهرستان ها و مناطق روستایی و... ممکن می گردد.

#### ۲- کمک به گسترش صادرات کتاب:

از طریق تشویق ناشران بخش خصوصی به مشارکت در نمایشگاه های بین المللی و تسهیل مشارکت آنان.

#### ۳- معافیت مالیاتی برای يك دوره ۳ الی ۵ ساله

- معافیت مالیاتی ناشران جدید (سرمایه گذاری جدید در کار نشر) به مدت ۵ سال.

- معافیت مالیاتی بقیه ناشران به مدت ۳ سال.

دولت این سیاست را در بخش کشاورزی اعمال کرده و نتیجه آن مثبت بوده است. اگرچه اهمیت بخش نشر کتاب در اقتصاد به اندازه بخش کشاورزی نیست و این قیاس، قیاسی نامربوط جلوه می کند. اما اهمیت چنین سیاستی در رشد فرهنگ و گسترش آموزش در کشورانکارناپذیر است.

#### ۴- حذف تدریجی سوبسید کاغذ و مواد اولیه

مورد نیاز صنعت نشر و افزایش ملایم قیمت ها در مقیاس سالانه حداکثر ۱۵ درصد

افزایش ناگهانی قیمت کاغذ و سایر اقلام مواد اولیه از طریق تغییر نرخ تبدیل ارز اختصاص یافته به واردات این مواد، موجب افزایش شدید قیمت کتاب شده و امر رکود بازار کتاب را شدیدتر خواهد کرد. این مساله علاوه بر لطمه شدید بر ناشران کشور، لطمات شدید فرهنگی نیز در پی خواهد داشت.

#### ۵- سازماندهی نمایشگاه های منظم

ماهانه فصلی و سالانه در سطح کشور براساس مشارکت ناشران در چارچوب تعاونی های توزیع کتاب.

#### ۶- تجدید نظر در نظام اعطای اعتبار بانکی به ناشران و

در نظر گرفتن «وام فرهنگی» کم بهره برای تولید محصولات با ارزش فرهنگی برای ناشران بخش خصوصی.

#### ۷- کمک به تشکیل مراکز اطلاع رسانی

در حال حاضر اطلاعات به هنگام در مورد کتاب به طور منظم و در سطح کشور در دسترس نیست. اگرچه گام هایی در این راه برداشته شده است (از جمله مجله نشر دانش، در هر شماره خود فهرستی از کتب جدیدالانتشار را منتشر می کند) اما این اطلاعات ناقص و کهنه است. موسساتی مانند کتابخانه ملی می توانند کتاب نامه های مخصوص (هفتگی، ماهانه) حاوی مشخصات کامل کلیه کتب منتشر شده در کشور را تنظیم کنند و با پذیرش مشترک از این راه درآمد نیز کسب کنند. این کار می تواند تا مرحله ایجاد یک شبکه نهیه و فروش کتاب به مشترکان (از طریق شبکه پست داخلی و بین المللی) نیز به بیس برود.